

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی  
۲۵ نومبر ۲۰۲۲

## حکومت بچه‌کش نمی‌خواهیم نمی‌خواهیم!

مهسا(ژینا) امینی، دختر جوان ۲۲ ساله اهل سقز که به تهران سفر کرده بود روز سه‌شنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۱، در ایستگاه متروی حقانی تهران، به بهانه «بدحجابی» توسط ماموران پلیس امنیت اخلاقی بازداشت و به بازداشتگاه این نهاد موسوم به «وزرا» منتقل شد. کوتاه مدتی پس از بازداشت، پیکر نیمه‌جان وی در حالی که با سطح هوشیاری درجه ۳ به کما رفته بود به بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان کسری منتقل شد. اما متأسفانه مهسا جان خود را از دست داد و گفته شد ماموران گشت ارشاد، او را شدیداً مورد ضرب و شتم قرار داده بودند.

اعتراضات شهروندان به این جنایت حکومت از زمان فوت مهسا امینی، مقابل بیمارستان کسری در خیابان آرژانتین تهران آغاز شد و با وجود فشار نهادهای امنیتی پس از خاک‌سپاری او در گورستان آچی سقز، شکل اعتراضی به خود گرفت تا جایی که نهایتاً، به گفته هرانا، «شصت و چهار روز اول اعتراضات سراسری در ۳۱ استان، ۱۵۵ شهر و ۱۴۲ دانشگاه بزرگ کشور برای ۱۰۵۹ مرتبه را در حدفاصل ۲۶ شهریور ۱۴۰۱ تا ۲۹ آبان ۱۴۰۱ رقم زد.



روز ۲۰ نوامبر (۲۹ آبان)، روز جهانی کودک بود. یونیسف بعد از دو ماه سکوت درباره کشتار مردم به ویژه کودکان در ایران، اکنون به همین مناسبت اطلاعیه‌ای منتشر کرده است. سؤال این است که چرا یونیسف در این بیش دو ماه، در برابر کشتارهای حکومت اسلامی سکوت کرده و تاکنون هیچ اطلاعیه مشخص و مستقلاً نیز در این باره منتشر نکرده است؟

هر چند آمارى از سوى مقامات و نهادهای حکومت اسلامی اعلام نمی‌شود، اما براساس برآوردها دست‌کم ۵۰ کودک زیر ۱۸ سال تنها در دو ماه اخیر جان‌شان را در جریان اعتراضات از دست داده‌اند. آمارى که حتى کودک سه ساله هم در میان جان‌باختگان است.

کشتن یک کودک سه ساله در روزهای اخیر ایذه که با تیراندازی ماموران حکومتی جان باخت، نه اولین و نه آخرین لیست بلند بالای مرگ کودکان نیست. «کیان پیرفلک» یکی از آنهاست. پسر بچه ۹ ساله‌ای که سوار بر خودرو پدرش بود با گلوله سرکوبگران حکومتی، سینه‌اش شکافته شد و در مقابل دیدگان برادر سه ساله و والدینش جان باخت. مرگ او، خشم مردم را دوچنان کرد و هم‌زمان دل‌های زیادی را سوزاند.

ویدیویی از کیان که به سرعت در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد و او آن کلامش را با نام «خدای رنگین کمان» آغاز می‌کرد، کودکی که آرزوهای بی‌کران داشت و هنوز از طعم زندگی نجشیده بود، به کدامین گناه ناکرده جان داد؟! مرگ او، کمر والدین‌شان را شکست و آرزوها و برنامه‌های آینده درباره بچه‌شان با یک چشم به هم زدن بر باد رفت! چرا؟

کنوانسیون حقوق کودک در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ به همین منظور نوشته و مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و از ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ لازم‌الاجرا شد. تاکنون ۱۹۳ کشور این سند را امضا کرده‌اند.

صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) در اولین جلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۲۵ برای کمک به کودکان آسیب دیده از جنگ جهانی دوم و تامین غذا، دارو و لباس آنها تاسیس شد. امروزه یونیسف بزرگترین نهاد بین‌المللی در حوزه کودکان است و در بیش از ۱۹۰ کشور جهان در زمینه بهداشت و تغذیه، آموزش، مراقبت از کودکان و دسترسی به فرصت‌های برابر برای کودکان فعالیت می‌کند. یونیسف با طیف وسیعی از مقامات دولتی، سازمان‌های جامعه مدنی، رهبران مذهبی، دانشگاه‌ها و بخش خصوصی همکاری می‌کند. مهمتر از همه این‌که، اقدامات و فعالیت‌های یونیسف با کمک‌های مالی داوطلبانه دولت‌ها، بخش خصوصی و افراد و نهادهای نیکوکار در هر گوشه از جهان اجرا می‌شوند.

در این پیمان‌نامه که براساس آن هر انسان کمتر از ۱۸ سال، کودک تلقی می‌شود، آمده است: «کودکان حق حیات داشته و باید رشد کنند، کودکان حق دارند آزادانه عقاید و نظرات خود را ابراز کنند و این نظرات در تمامی اموری که به آنها مربوط می‌شود، باید مورد توجه قرار گیرد.»

با این حال برخی کشورهایی که به این کنوانسیون پیوسته‌اند چندان اهمیتی به اجرای جدی آن نمی‌دهند و یا در اجرای آن خنثی و بی‌تفاوت هستند.

اما عدم توجه یونیسف به مورد کودک آزادی سیستماتیک در حکومت اسلامی ایران و اکنون کشتن کودکان در مدارس و خیابان‌ها، به روشنی نشان می‌دهد که این سازمان هرگز در راستایی وظایفی که به عهده اش گذشته شده، حرکت نمی‌کند.

حکومت اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۷۲ به این پیمان‌نامه پیوست، البته با این شرط که هرگاه مفاد پیمان‌نامه در هر مورد و در هر زمان با قوانین داخلی ایران و موازین شرع تعارض پیدا کند، دولت ایران ملزم به رعایت آن نباشد. با این حال به اعتقاد فعالان مدنی حوزه کودک، دولت‌های مختلف ایران، نه تنها هرگز اهمیتی به رعایت حقوق کودک ندادند، بلکه برعکس، خود عملاً و مستقیم ناقض حقوق کودک بوده‌اند.

در این باره طاهره پژوهش، مدیر عامل انجمن حمایت از حقوق کودکان به «توسعه ایرانی» گفته است: «از آنجایی که ایران پیمان‌نامه حقوق کودک را امضاء کرده؛ موظف است تا حق بقا و زندگی برای کودکان را به‌عنوان اولین حق

رسمی آن‌ها تضمین کند. منع آزار و اذیت روحی و روانی و ضرب‌وشتم کودکان از جمله اصول مهم این پیماننامه است.

از سوی دیگر در قانون اساسی کشور نیز بر آزادی تظاهرات و اعتراضات بدون اسلحه، تاکید شده، اما متأسفانه در حوادث اخیر شاهد از بین رفتن همه این قوانینی هستیم که در کشور به رسمیت شناخته شده است. حتی اگر ضرب‌وشتمی هم در کار نباشد، همان دستگیری، انتقال و نگهداری در بازداشتگاه‌ها و روند دادرسی و زندان آثار مخرب جسمی، روحی و روانی عجیبی برای کودکان دارد. حال به این ماجرا بی‌خبری خانواده‌ها از محل نگهداری کودکان و نحوه تشکیل پرونده بدون حضور وکیل و کمبود قاضی ویژه کودکان و نبود پلیس کودکان و همین‌طور، دخالت دادن کودکان برای همکاری با نیروهای نظامی را هم اضافه کنید، تا دلیل نگرانی عمومی جامعه و به خصوص فعالان حقوق کودک روشن شود.»

در حالی که در بیش از دو ماه اعتراضات اخیر، بسیاری از سکوت سازمان بین‌المللی حمایت از حقوق کودکان یونیسف انتقاد کرده و حتی برخی به «مهتاب کرامتی»، بازیگر که چند سالی است خود را به‌عنوان سفیر این سازمان معرفی می‌کند انتقادهای شدیدی را مطرح کردند، تنها روز جمعه گذشته این سازمان در آستانه روز جهانی کودک بیانیه‌ای منتشر و اعلام کرد که گزارش‌های مربوط به کشته و زخمی‌شدن و همچنین بازداشت کودکان در اعتراضات ایران بسیار نگران‌کننده است.

در این بیانیه اشاره شده است که کودکان از تاثیر مخرب درگیری‌های طولانی مدت، خشونت‌های جمعی و ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی در چندین کشور از جمله ایران، عراق، لیبی، سودان، سوریه و یمن رنج می‌برند. یونیسف با اشاره به فقدان آمار رسمی اعلام کرد که از اواخر سپتامبر امسال تاکنون حدود ۵۰ کودک در جریان اعتراضات اخیر ایران جان خود را از دست داده‌اند. آخرین مورد از چنین اتفاقات وحشتناک، جان باختن کیان ۹ ساله بود که همراه خانواده‌اش در ماشین به ضرب گلوله کشته شد.

همچنین یونیسف تاکید کرد که کشورهای عضو کنوانسیون حقوق کودک موظفند از کودکان در شرایط درگیری و خشونت حمایت کرده و حق زندگی و آزادی بیان آن‌ها را تضمین کنند.

با این حال، بخش آگاه جامعه و مدافعان حقوق کودک، همچنان خواهان اقداماتی جدی‌تر برای مقابله با تعدی به حقوق کودکان از سوی این سازمان بین‌المللی مدافع کودکان و عضو سازمان ملل هستند. اقدامی فراتر از صدور یک بیانیه تا حداقل از جان کودکان دفاع شود.

موارد نقض حقوق کودکان در ایران تنها به دو ماهه اخیر باز نمی‌گردد و پیش‌تر نیز موارد مختلفی از پدیده خشونت علیه کودکان وجود داشته و حتی در مواردی رایج است.

برای مثال سن ازدواج، جشن تکلیف در مدارس برای دختر بچه‌هایی که نه سال می‌شوند؛ تنبیه شدید دانش‌آموزان در سیستم آموزشی کشور، تجاوز به کودکان، کشتن کودکان توسط والدین، کشتن زنان توسط پدران و برادران و همسران، اعزام کودکان به جبهه‌های جنگ هشت ساله ایران و عراق، آموزش نظامی به کودکان در صفوف نیروهای بسیج و ...، و سرانجام حمله به مدارس و کشتن کودکان در این مکان‌های به ظاهر آموزشی و خیابان‌ها توسط نیروهای آدمکش حکومت اسلامی!

به این ترتیب، در این بیش از چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی، موارد بسیار تکان‌دهنده و فاحشی از نقض حقوق کودکان در ایران قابل مشاهده است که هیچ شباهتی به کنوانسیون جهانی حقوق کودکان ندارد و از منظر انسانی نیز جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود.

همین حضور گسترده و اعتراضی کودکان مدارس در خیابان‌ها و حرکت‌های اعتراضی، خود گواه بزرگی‌ست که به سابقه سیاه حکومت اسلامی در نگرش به حقوق کودک برمی‌گردد. ضرب‌وشتم کودکان و دانش‌آموزان توسط ماموران آدمکش حکومتی، بازداشت و گاهی حتی کشتن آن‌ها زیر بازجویی و تجاوز جنسی؛ مواردی که با وجود گزارش‌های فراوان، تنها بخش بازداشتی‌هایش از سوی مسئولان تایید شده است.

۱۳ مهر ۱۴۰۱، جانشین فرماندهی کل سپاه پاسداران رسماً اعلام کرد که میانگین سنی بسیاری از دستگیرشدگان ۱۵ ساله است. تصاویری از دستگیری دانش‌آموزان و ورود نیروهای نظامی به محیط مدرسه این نگرانی‌ها را بیش‌تر و هولناک‌تر کرده است.

محسن رضایی، معاون اقتصادی ابراهیم رئیسی می‌گوید در تیراندازی ایزه گلوله‌هایی که استفاده شده، همگی با سلاح‌هایی چون کلاشنیکف یا جنگی بوده است.

این فرمانده سابق سپاه پاسداران و رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام و همچنین نامزد پیشین انتخابات ریاست جمهوری، اخیراً مدعی شد نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی از سلاح‌های کشنده استفاده نمی‌کنند.

او همچنین در ادامه تیراندازی ایزه را برنامه‌ریزی از پیش تعیین شده خواند و ادعا کرد: «یک تیم بیست نفره از قبل سازمان‌دهی شده بود و برنامه‌ریزی کرده بودند و حتی ۲۴ ساعت قبل دوربین‌ها را از کار می‌اندازند و خود این نیز علامت برنامه‌ریزی است و بعد در چند نقطه به‌طور سازمان‌یافته آرایش می‌گیرند و تیراندازی می‌کنند.»

رضایی در حالی این ادعاها را مطرح می‌کند که مقام‌های جمهوری اسلامی در طی حدود دو ماه اخیر در اظهار نظرهایی مشابه گذشته شدن معترضان را به عواملی جز سرکوب دستگاه‌های امنیتی مرتبط دانسته‌اند.

کیومرث حیدری، فرمانده نیروی زمینی ارتش می‌گوید دشمن تلاش دارد در جامعه اعتقادی و باورزدایی کند. این فرمانده ارتش با اشاره به اعتراضات اخیر، شبکه‌های اجتماعی را ابزار دشمن خواند و افزود: «امروز جنگ شناختی روی ذهن افراد برای باورزدایی و اعتقاد زدایی برنامه‌ریزی شده و در جامعه ما عمل می‌شود.»

کیومرث حیدری در بخش دیگری از صحبت‌های خود با اشاره به جنگ ۸ ساله ایران و عراق گفت: «امروز یکی از خرمشهرها، باورهای ما است که در جنگ شناختی مورد حمله دشمنان قرار گرفته است، باید اول از خودمان و خانواده خود آغاز کنیم و به خودمان بباییم و خرمشهر از دست رفته را دوباره فتح کنیم.»

این مواضع فرماندهان سپاه و رهبرشان نشان می‌دهد که آن‌ها اکثریت مردم ایران را دشمن می‌نامند و به فکر نابودی آن‌ها هستند. پس روشن است جنگ نابرابری بین حکومتیان که مامورانش تا دندان مسلح و آدمکش هستند و مردمی که در خیابان‌ها جز فریاد زدن شعارها و سنگ و چوب چیزی ندارند در جریان است. اما روشن است که این وضعیت به زودی تغییر خواهد کرد و مردمی که پاسگاه‌های پلیس و سایر مراکز نظامی را تسخیر خواهند کرد مسلح شده و وارد یک جنگ مرگ و زندگی با حکومت خواهند شد که پایان آن سرنگونی حکومت اسلامی است.

بنابراین، بسیاری از قوانین حکومت اسلامی ایران، نانوشته و حتی گاهی بلافاصله اجرایی است. فرمان‌های خامنه‌ای بالاتر از قانون اساسی حکومت اسلامی است و هیچ مقام و نهادی هم حق ندارد حتی درباره تصمیمات سؤال کند و جز تعریف و تمجید چیزی به زبان نیاورد. برای مثال، با این‌که قوانین ایران تنبیه بدنی در مدارس را ممنوع کرده‌اند، ولی مدارس از کانون‌های اصلی بروز خشونت علیه کودکان هستند. این خشونت‌ها هم دارای ابعاد فیزیکی هستند و هم ابعاد روحی و کلامی.

یکی دیگر از معضلات کودکان در ایران، پدیده دل‌خراش و حزن‌انگیز «کودکان خیابانی» است. به گفته کارشناسان امور آموزشی، با توجه به آمارهای رسمی حدود چهار میلیون کودک در فضای آموزشی نیستند. گفته می‌شود بیش از هفت میلیون کودک کار در ایران وجود دارد.

کار کودکان پیامدهای بدی برای این کودکان که به «کودکان کار» و «کودکان خیابانی» معروف هستند دارد. در ایران کودکان کار وجود دارند اما آمار دقیقی از تعداد آنها در دست نیست. در سپتامبر ۲۰۱۷ برابر با مهر ۱۳۹۶ خورشیدی خبرگزاری تسنیم گزارش داد که ناهید تاج‌الدین نماینده اصفهان در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری خانه ملت، گفته برخی کارشناسان مسائل اقتصاد شهری آمار کودکان کار در ایران را بین ۳ تا ۷ میلیون عنوان می‌کنند، ضمن این‌که این رقم برای تهران نیز ۲۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود، اما به دلیل این‌که اغلب کودکان کار هیچ‌گونه ثبت هویتی ندارند؛ آمار دقیقی در این زمینه نمی‌توان ارائه کرد. این کودکان عمدتاً در زیرزمین‌ها مشغول به‌کارند، برخی از آنان مورد سوءاستفاده و خشونت قرار می‌گیرند و حتی برخی از آنان از شب تا صبح در خیابان‌ها برای جمع‌آوری ضایعات، آهن کهنه، لاستیک‌ها و... مشغول به‌کارند. از آسیب‌هایی که «کودکان کار» را تهدید می‌کند می‌توان به بی‌سوادی، بازماندگی از تحصیل، سوءتغذیه، رخنه اچ‌آی‌وی، اعتیاد، افسردگی، خودزنی، خودکشی، تجاوز جنسی و خشونت کنترل‌نشده اشاره داشت.

همچنین کودکان بسیاری در شهرها به دست‌فروشی مشغولند. والدین تعداد زیادی از این کودکان معتاد به مواد مخدر هستند. بسیاری از این کودکان مورد کودک‌آزاری و سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند.

ازدواج کودکان هم در سنت و هم در قانون ایران وجود دارد. ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ایران می‌گوید «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط مصلحت با تشخیص دادگاه صالح.» نگاهی به آمار نشان می‌دهد سالانه چند هزار کودک زیر ۱۸ سال با استاد به همین قانون و اغلب به دلیل مشکلات اقتصادی و فرهنگی ازدواج می‌کنند.

یکی دیگر از حقوقی که در پیمان‌نامه سازمان ملل برای کودکان در نظر گرفته شد، حق آموزش است. طبق آمارهای رسمی، ایران در حال حاضر دارای بیش از ۱۴ میلیون دانش‌آموز است. ولی از گسترش فضاهای آموزشی متناسب با این افزایش کمی خبری نیست.

همچنین مجازات اعدام یکی دیگر از تهدیدات کودکان است. در قوانین حکومت اسلامی ایران «سن مسئولیت کیفری» تعریف نشده است و قاضی با برداشت خود از فقه و ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، دختران بالای ۹ سال قمری و پسران بالای ۱۵ سال قمری را بالغ دانسته و برایشان مانند بزرگسالان حکم صادر می‌کنند.

موضوع مهم دیگر، آزار جنسی زندانیان است. شبکه سی‌ان‌ان پس از یک بررسی دو ماهه، به تازه‌گی در گزارشی تحقیقی به اعتراضات و بازداشت‌ها در ایران پرداخته و تایید کرده است «پسران و دختران بازداشت‌شده در ایران، مورد «خشونت جنسی» قرار می‌گیرند و در برخی موارد در زندان به آن‌ها «تجاوز» می‌شود.

سی‌ان‌ان، با تکیه بر مصاحبه با افراد، گزارش‌ها، مستندات و تصاویری که جمع‌آوری کرده، نوشته است: در یکی از این موارد، تجاوزی که صورت گرفته باعث ایجاد جراحی شدید شده‌است.

در موردی دیگر، تجاوز به یک پسر خردسال ثبت و راستی‌آزمایی شده است. به‌گفته سی‌ان‌ان، دستگاه‌های امنیتی از تجاوز جنسی فیلم‌برداری کرده‌اند.

این گزارش افزوده که دولت ایران درهای کشور را به روی خبرنگاران خارجی بسته است، به‌طور متوالی اینترنت را قطع کرده، صدای مخالفان را با بازداشت‌های دسته‌جمعی سرکوب و با تشدید سرکوب‌ها، به‌شدت ترس را در ایران حاکم کرده است.

یک زن کرد ایرانی که سی‌ان‌ان برای امنیت او از نام «هانا» در موردش استفاده می‌کند، می‌گوید که در حین بازداشت هم شاهد خشونت جنسی بوده و هم متحمل خشونت جنسی شده است.

هانا می‌گوید: «دخترانی بودند که مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند و سپس به شهرهای دیگر منتقل شدند. آن‌ها از صحبت در مورد این چیزها می‌ترسند.»

هانا که بیست و چهار ساعت را در بازداشتگاه ارومیه بوده، می‌گوید که در حدود «سی تا چهل زن دیگر» نیز به‌همراه چند پسر آن‌جا بوده‌اند.

او می‌گوید این پسرها که میان‌شان ۱۴ و ۱۳ ساله‌ها نیز دیده می‌شد، همگی در جریان اعتراضات بازداشت شده بودند. به‌گفته هانا، پسرها به شدت ضرب و شتم شدند، اما ضرب و شتم دختران از آن‌ها نیز شدیدتر انجام شد و سپس ماموران جمهوری اسلامی آن‌ها را تحت آزار جنسی قرار دادند.

او تصریح کرده که در آن بازداشتگاه یک «سالن اصلی و اتاق خصوصی بازجویی» وجود داشته است. هانا گفته که یکی از افسران، دختری زیبا را به تنهایی با خود به آن اتاق برده و به او تعرض جنسی کرده است.

سی‌ان‌ان، همچنین به نقل از منابع مطلع که با قربانیان گفت‌وگو کرده‌اند، نوشته که ماموران جمهوری اسلامی از برخی صحنه‌های خشونت جنسی فیلم تهیه کرده و آن را به ایزاری برای باج‌گیری و ساکت کردن معترضان تبدیل کرده‌اند.

این گزارش از جمله به پرونده دختر جوان ۲۰ ساله‌ای به اسم آرمینا عباسی، ساکن کرج، می‌پردازد که به‌خاطر نوشته‌های اعتراضی خود «علیه جمهوری اسلامی در شبکه‌های اجتماعی» بازداشت شد و دولت ایران در اطلاعیه‌ای مدعی شده که او یکی از «رهبران اغتشاشات» (اعتراضات) بوده و پلیس «۱۰ کوکتل مولوتف» را از آپارتمانش کشف کرده است.

سی‌ان‌ان می‌نویسد که از این اطلاعیه چنین برمی‌آید که قوه قضاییه ایران مجازاتی سخت را برای این دختر ۲۰ ساله در نظر گرفته، اما این اطلاعیه در عین حال با هدف تکذیب مدارک افشاشده‌ای در اینستاگرام بوده که سر و صدا به پا کرده است.

به‌گزارش سی‌ان‌ان، این مدارک شامل «مکالمات میان پزشکان در سرویس پیام خصوصی اینستاگرام» بوده و حاکی از آن است که نیروهای امنیتی ایران خانم عباسی را تحت شکنجه و خشونت جنسی قرار داده‌اند.

طبق مدارکی که از بیمارستان امام علی در کرج درز کرده است، او روز ۲۵ مهر به‌همراه افسران لباس شخصی به این بیمارستان برده می‌شود در حالی که موهایش تراشیده شده بود و به‌شدت می‌لرزید. پزشکان در «مکالمه افشاشده خود» از وحشتی حرف زده‌اند که با دیدن نشانه‌های تجاوز احساس کرده‌اند.

یک منبع مطلع در «بیمارستان امام علی» در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان صحت این مدارک را تایید کرده است. آرمینا عباسی هم‌اکنون در زندان فردیس نگهداری می‌شود. سی‌ان‌ان می‌نویسد که نتوانسته با او یا اعضای خانواده‌اش صحبت کند.

بیش‌تر گزارش‌های مربوط به خشونت جنسی که از زمان شروع اعتراضات ناشی از مرگ مهسا امینی توسط سی‌ان‌ان بررسی می‌شود، از غرب کشور است، جایی که بخش‌های وسیعی از منطقه عمدتاً مرد هستند.

هم‌زمان با بازداشت گسترده معترضان توسط مقامات، و خاموشی رسانه‌ها، میزان خشونت جنسی نیز توسط حکومت، افزایش یافته است.

به گفته هرانا، در حداثصل ۲۶ شهریور ۱۴۰۱ تا ۲۹ آبان ۱۴۰۱، دستکم ۱۷۴۵۱ تن از شهروندان معترض در ایران بازداشت شدند. همچنین ۳۰۲۴ نفر از بازداشت‌شدگان احراز هویت شده‌اند. لازم به ذکر است در این مدت زمانی، ۴۱۹ شهروند معترض، ۶۰ کودک و ۵۴ نیروی امنیتی جان خود را از دست داده‌اند.

گفتنی است، در ماه سپری شده محکومیت‌های متعددی صورت گرفت که از این تعداد می‌توان به محکومیت ۵ شهروند بازداشت شده در جریان اعتراضات به مجازات‌های حبس از ۵ تا ۱۰ سال، شش شهروند از جمله دو نوجوان معترض به مجموعاً به ۳ سال و ۴ ماه حبس، ۱۴۸ ضربه شلاق و جزای نقدی، فائزه براهویی به سه سال و شش ماه حبس تعزیری، مصطفی حسینی طباطبایی و ۷ نفر از همراهانش به ۲۸ سال حبس، محمد غلامزاده به ۵ سال حبس و محمد قدمی به ۱۰ سال حبس اشاره کرد.

... از سوی دیگر، چهار دانش‌آموز نوجوان به‌نام‌های «آیدا لطفی»، ۱۷ ساله، شنو احمدیان ۱۶ ساله، کیژان کریمی، ۱۷ ساله و ستایش (نام خانوادگی نامشخص) ۱۷ ساله» در شهرستان دهگلان، محمود جشیره ۱۷ ساله و رضا جشیره ۱۴ ساله در شهر لیکک، محمدحسین فتحی ۱۷ ساله در ابهر و یک دانش‌آموز در شاهین شهر بازداشت شدند. لازم به ذکر است، سوران سلیمانپور ۱۷ ساله و پیشوا احمدی ۱۶ ساله که در جریان اعتراضات سراسری جاری در سردشت بازداشت شده بودند، توسط دادگاه کیفری این شهرستان هر کدام به ۲ میلیون و پانصد هزار تومان جزای نقدی محکوم شدند.



در دو ماه اخیر توسط ماموران حکومت اسلامی، جان باختند کمتر از ۱۸ سال سن داشته‌اند. از جمله می‌توان به اسامی ۵۸ کودک جان باخته در اعتراضات دو ماه اخیر اشاره کرد:

- ۱- زکریا خیال، بیرانشهر، ۱۶ ساله، شهادت بر اثر شلیک ماموران امنیتی، تاریخ فوت ۲۹ شهریور ۱۴۰۱.
- ۲- امین معرفت (معروفی)، اشنویه، ۱۶ ساله، نام پدر: ابوبکر، بر اثر شلیک ماموران امنیتی به ناحیه سر، تاریخ فوت ۳۰ شهریور.
- ۳- امیرعلی فولادی، اسلام‌آباد غرب، ۱۶ ساله، بر اثر شلیک ماموران امنیتی در اسلام‌آباد غرب، تاریخ فوت ۳۰ شهریور.
- ۴- سیدمهدی موسوی، زنجان، ۱۵ ساله، بر اثر شلیک ماموران امنیتی، تاریخ فوت ۳۱ شهریور.

- ۵- پارسا رضادوست، ۱۷ ساله، هشتگرد، بر اثر شلیک ماموران امنیتی، تاریخ فوت ۱ مهر.
- ۶- سارینا اسماعیلزاده، ۱۶ ساله فرزند عارف، مهرشهر، بر اثر شلیک ماموران امنیتی، تاریخ شهادت ۱ مهر.
- ۷- سیاوش محمودی ۱۶ ساله اهل شهرک بهشتی، نازی آباد تهران، بر اثر شلیک ماموران امنیتی با گلوله در سر، تاریخ فوت(احتمالا ۴ مهر).
- ۸- محمد زمانی، ۱۶ ساله، تهران، بر اثر شلیک ماموران امنیتی در سلطانآباد، جان باخت.
- ۹- احسان علیبازی، ۱۶ ساله، شهر قدس، بر اثر شلیک ماموران امنیتی، تاریخ فوت اول مهرماه - وی را با ۱۲ گلوله کشته‌اند. در آرامستان شهرک ولیعصر در برده استان ایلام دفن شده است.
- ۱۰- نیکا شاکرمی، ۱۷ ساله، تهران، روز ۲۹ شهریور در تهران بلوار کشاورز مفقود شده و روز ۸ مهر جسد او در حالی که صورتش متلاشی شده، بینی اش له شده و مجمله‌اش بر اثر ضربات باتوم شکسته بود در کهریزک پیدا شد.
- ۱۱- امیر مهدی فرخی‌پور، ۱۷ ساله، تهران، بر اثر شلیک ماموران امنیتی در پارک لاله تهران، تاریخ فوت ۶ مهر - به خانواده‌اش گفته شده بود اگر رسانه‌ای کنید جسد فرزند را تحویل نمی‌دهیم!
- ۱۲- امیرحسین بساطی، ۱۵ ساله، بر اثر شلیک ماموران امنیتی، تاریخ فوت ۱۰ مهر، در کرمانشاه جان باخت.
- ۱۳- نیما شفیق دوست، ۱۶ ساله، در اعتراضات سراسری در ارومیه مجروح و در زیرزمین خانه‌اش بستری شد، وی را بازداشت کردند و روز ۱۳ مهر جسدش را تحویل دادند.
- ۱۴- محمدجواد زاهدی، ۱۶ ساله، ساری، با ۹۵ گلوله ساچمه‌ای در سر و کمر به قتل رسید.
- ۱۵- سامر هاشم‌زهی ۱۶ ساله
- ۱۶- سدیس کشانی ۱۴ ساله
- ۱۷- جواد پوشه فرزند احمد ۱۱ ساله
- ۱۸- جابر شیروزی فرزند احمد ۱۲ ساله
- ۱۹- امید صفرزهی ۱۷ ساله(اصابت گلوله به ناحیه گردن و سر)
- ۲۰- میرشکار(نام نامشخص -کودک ۲ ساله). این کودک شامگاه یکشنبه ۱۱ مهرماه در مقابل منزل خود در بلوار جام جم زاهدان هدف شلیک مستقیم گلوله قرار گرفته است.
- ۲۱- محمد رخشانی ۱۲ ساله فرزند عبدالقادر اهل منطقه کوثر زاهدان، توسط نیروهای پایگاه بسیج ثارالله در محله کبدانی از ناحیه سر هدف گلوله قرار گرفت.
- ۲۲- یاسر شاهوزهی ۱۶ ساله، بر اثر شلیک ماموران امنیتی به قلب، تاریخ فوت: جمعه ۸ مهرماه.
- ۲۳- پویا(علی) احمدپور پسیخانی، ۱۷ ساله، رشت، بر اثر ضربه باتوم ماموران امنیتی، تاریخ فوت اول مهر - وی ابتدا به کما رفت و پس از چند روز کما جان باخت.
- ۲۴- ابوالفضل آدینه، ۱۶ ساله، مقابل دانشگاه فردوسی مشهد با ۲۴ تیر ساچمه کشته شد. تاریخ فوت شنبه ۱۶ مهر.
- ۲۵- علی براهویی، ۱۲ ساله، فرزند عمر اهل زاهدان که روز جمعه ۸ مهر هدف دو گلوله از ناحیه سینه و گردن قرار گرفت.
- ۲۶- دانیال شهبخش، ۱۱ ساله، فرزند عبدالحمید که از ناحیه قلب هدف مستقیم گلوله قرار گرفت.
- ۲۷- امید سارانی ۱۳ ساله
- ۲۸- محمد اقبال نایب زهی ۱۶ ساله، فرزند نیاز محمد - فاقد شناسنامه.
- ۲۹- محمدامین گمشادزهی ۱۷ ساله، فرزند عبدالحمید.



- ۳۰- اسرا پناهی، ۱۵ ساله، اردبیل، در دبیرستان شاهد ضرب و شتم شده و سپس در بیمارستان جان باخت، تاریخ فوت ۲۰ مهر.
- ۳۱- آرنیکا قائم مقامی، ۱۷ ساله در تهران بر اثر ضربات باتوم به کما رفت و پس از ده روز جان سپرد. تاریخ فوت ۳۰ مهر.
- ۳۲- مهدی فرحانی، ۱۷ ساله، اهل خرمشهر، در اعتراضات آبادان بازداشت شد و در ادامه آگاهی خرمشهر زیر شکنجه کشته شد. تاریخ دفن: ۲ آبان.
- ۳۳- صدف موحدی، ۱۷ ساله، پس از اصابت باتوم به سرش در تهران، دچار ضربه مغزی شده و جان سپرد، تاریخ فوت دوشنبه ۲ آبان.
- ۳۴- احسان خواجوی دره بالایی، ۱۵ ساله، بر اثر شلیک ماموران امنیتی در دزفول، تاریخ فوت اول آبان.
- ۳۵- سارینا ساعدی، ۱۶ ساله، اهل سنندج پس از اصابت باتوم به سرش در بیمارستان جان سپرد، تاریخ فوت ۴ آبان.
- ۳۶- ابوالفضل بانو، ۱۶ ساله، در قائم شهر بر اثر شلیک گلوله به قلبش کشته شد. تاریخ فوت ۳۰ شهریور
- ۳۷- مونا نقیب، ۸ ساله، بر اثر شلیک ماموران در سراوان، تاریخ فوت ۲ آبان.
- ۳۸- عادل بریچی، ۱۵ ساله، اهل منطقه شیرآباد زاهدان، بر اثر شلیک مستقیم ماموران، تاریخ فوت ۶ آبان.
- ۳۹- امید نارویی، ۱۶ ساله، فرزند غلامنبی، دانش‌آموز پایه نهم اهل زاهدان، بر اثر شلیک مستقیم ماموران امنیتی، تاریخ فوت ۶ آبان.
- ۴۰- پارمیس همونوا، ۱۴ ساله، دانش‌آموز، اهل ایرانشهر، بر اثر ضرب و شتم در مدرسه بدلیل پاره کردن عکس خمینی، تاریخ فوت ۳ آبان.
- ۴۱- محمدرضا سروری ۱۴ ساله، اهل تهران، بر اثر شلیک ماموران امنیتی، تاریخ فوت ۳۰ شهریور.
- ۴۲- دینا محمودی کودک ۷ ساله اهل پیرانشهر، بر اثر شلیک ماموران امنیتی ۷ آبان.
- ۴۳- امیرمهدی ملک محمدی، ۱۷ ساله، اهل تهران، بر اثر شلیک ماموران امنیتی، تاریخ فوت ۳۰ شهریور.
- ۴۴- یاسر بهادرزهی ۱۷ ساله، نوجوان معلول، بر اثر شلیک ماموران امنیتی در خاش، جمعه خونین ۱۳ آبان.
- ۴۵- مبین میرکازهی، ۱۴ ساله، بر اثر شلیک ماموران امنیتی در خاش، جمعه خونین ۱۳ آبان.
- ۴۶- مهدی حضرتی، ۱۷ ساله، اهل کرج، بر اثر شلیک ماموران امنیتی در چهل حدیث نجفی، تاریخ فوت ۱۲ آبان.
- ۴۷- محمدرضا سروی ۱۳ ساله، اهل شهر ری، بر اثر شلیک ماموران امنیتی در تاریخ ۱۲ آبان
- ۴۸- محمدحسین فرجی، ۱۷ ساله، اهل تهران، بر اثر شلیک ماموران امنیتی، تاریخ فوت ۱۰ آبان.
- ۴۹- امیر نوروزی، ۱۶ ساله، اهل بندرانزلی، در تاریخ اول مهر جان باخت.
- ۵۰- پدram آذرنوش، ۱۶ ساله، اهل دهدشت، تاریخ فوت ۳۱ شهریور.
- ۵۱- عبدالله محمدپور ۱۷ ساله، تاریخ فوت ۳۰ شهریور در ارومیه.
- ۵۲- محمد قائمی فرد، ۱۷ ساله، اهل دزفول، بر اثر شلیک ماموران امنیتی، تاریخ فوت ۱۵ آبان.
- ۵۳- نیما نوری، ۱۷ ساله، اهل کرج، بر اثر شلیک ماموران امنیتی، تاریخ فوت ۱۲ آبان.
- ۵۴- کومار درافتاده، ۱۶ ساله، اهل پیرانشهر، بر اثر شلیک مستقیم ماموران امنیتی، تاریخ فوت یکشنبه ۸ آبان.
- ۵۵- یک نوجوان ۱۳ ساله به نام آرتین رحمانی در جریان تیراندازی چهارشنبه شب در ایذه کشته شد.
- ۵۶- یک کودک ۹ ساله به نام کیان پیرفلک در حمله‌ای که مقام‌های جمهوری اسلامی ادعا می‌کنند «تروریستی» بود، تایید کرده‌اند.

۵۷- تصاویری از پیکر بی‌جان کیان پیرفلک منتشر شده است که او را در میان قطعات یخ نشان می‌دهد. در شبکه‌های اجتماعی نوشته شده که خانواده او از بیم ربودن پیکرش از سوی ماموران امنیتی، اجازه انتقال جسد کیان به سردخانه را ندادند.

در حالی که گزارش‌ها حاکی از کشته‌شدن کیان پیرفلک، کودک ۹ ساله، در اعتراضات شامگاه چهارشنبه ۲۵ آبان، در ایذه به دست نیروهای امنیتی است، اما حکومت اسلامی تلاش می‌کند در این زمینه از خود سلب مسئولیت کند. در ویدئوی منتشر شده از پیکر خونین کیان پیرفلک در محل زندگی او، یکی از نزدیکان او درباره نحوه کشته شدنش توضیح می‌دهد.

صاحب صدا که یک مرد است می‌گوید که کیان پیرفلک سوار بر خودروی پدرش در حال عبور از خیابان بوده که از چهار طرف مورد اصابت «گلوله نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی» قرار می‌گیرند و کودک کشته می‌شود.

۵۸- تصویری از «هستی نارویی»، دختر هفت‌ساله بلوچ که در جریان تیراندازی نیروهای امنیتی به شهروندان در هشتم مهرماه که از آن به‌عنوان جمعه خونین زاهدان یاد می‌شود، کشته شد، در شبکه‌های مجازی فارسی‌زبان منتشر شده است.

شهرهای کردستان به‌شدت ملتهب است. مردم حق‌طلب این دیار، با تمام قدرت در مقابل نیروهای فاشیستی حکومت مقاومت می‌کنند و جنگ و گریز جوانان کردستان در خیابان‌ها ادامه دارد.

گزارش‌ها از سنندج حاکی از تیراندازی نیروهای مسلح حکومتی به سوی گروهی از دانش‌آموزان پسر در شهرک وحدت است که «حداقل سه زخمی» به جا گذاشته که حال یکی از آن‌ها وخیم گزارش شده است. دانش‌آموزی که جراحات او شدید است به بیمارستان کوثر سنندج منتقل شده است.

از طرف دیگر نیروهای سپاه پاسداران در موجش از توابع کامیاران یک جوان ۱۶ ساله به‌نام «رضا کاظمی» را از ناحیه سینه هدف قرار دادند این کودک به بیمارستان کوثر سنندج اعزام شده و در کما به سر می‌برد.

تصاویری که در رسانه‌ها منتشر شده ادامه گشت‌زنی هلی‌کوپتر بر فراز شهر سنندج در روز ۲ آذر را نشان می‌دهد و فضای امنیتی بر این شهر حاکم است.

دانشجویان دانشگاه سنندج روز چهارشنبه دست به تحص و اعتصاب زدند.

همزمان گزارش‌ها حاکی از یورش و شلیک ماموران به خانه‌های مردم در مهاباد و تیراندازی نیروهای حکومتی به‌سوی مردم در بوکان است.

سرکوب بسیار گسترده‌تر و مرگبارتر نیروهای امنیتی علیه معترضان در شهرهای کردنشین حدود یک هفته پیش از مهاباد شروع شد و از آن زمان ادامه داشته است.

سازمان حقوق بشری هه‌نگاو گزارش می‌دهد که نیروهای مسلح وابسته به حکومت ایران در یک هفته گذشته دست‌کم ۱۳ شهروند را در شهر بوکان کشته و بیش از ۳۰۰ نفر را زخمی کرده‌اند که حال برخی از آن‌ها وخیم است. در این گزارش آمده است که در برخی محلات بوکان مقررات منع تردد شبانه اعلام شده است.

جمهوری اسلامی تلاش می‌کند گروه «داعش» را مسئول برخی حملات اعلام کند، یا این که این‌طور وانمود کند که آن‌ها خودکشی کرده‌اند.

در حالی که علت مرگ در اکثر موارد، تیراندازی مستقیم نیروهای امنیتی به اندام‌های حیاتی معترضان، عمدتاً به سر یا قفسه سینه بوده است.

در مورد زاهدان، گلوله‌های جنگی از هلیکوپتر به سوی معترضان شلیک شده است.

تصاویر برخی اجساد نشان می‌دهد، معترضان از پشت سر مورد اصابت گلوله قرار گرفته‌اند. در حقیقت، تیراندازی به این افراد نه توجیه محافظت از جان ماموران، بلکه تنها به قصد انتقام‌گیری و آسیب‌زدن به معترضان یا به قصد کشتن آن‌ها انجام شده است.

یکی از تصاویر تکان دهنده از آخرین لحظات زندگی کودک ۱۲ ساله بلوچ، «جواد پوشه» که در زاهدان به قتل رسید، نشان می‌دهد گلوله از پشت سر به او اصابت کرده و از گونه راستش خارج شده است. این امر نشانگر آن است که ضارب از پشت و بدون آن که هیچ تهدیدی از جانب جواد متوجه ضارب باشد، شلیک کرده است.

با توجه به این که تیراندازی ماموران امنیتی در زاهدان از پشت بام‌ها یا از هلیکوپتر نظامی انجام شده که نشانگر فاصله زیاد با معترضان است و با توجه به این که جواد پوشه تنها با یک گلوله به سرش کشته شده، می‌توان نتیجه گرفت که مرگ او تصادفی نبوده بلکه ضارب با اسلحه‌ای دقیق (احتمالاً قناصه)، از فاصله دور سر این کودک ۱۲ ساله را هدف گرفته و شلیک کرده است.



به این ترتیب، در پایان می‌توانیم تاکید کنیم که دایره کودک آزاری، تنها محدود به رفتارهای خشونت‌آمیز یا در برخی موارد تجاوز جنسی برخی والدین، سرپرست کودکان و معلمان آن‌ها در مورد کودکان نیست. آنچه امروز و در سایه قوانین یا رعایت نکردن برخی قوانین در ایران اتفاق می‌افتد را می‌توان کودک آزاری سیستماتیک نام گذاشت. کودکان به‌خاطر جنسیت، ملیت و مذهب والدین‌شان از بدو تولد مورد خشونت حکومتی و غیرحکومتی قرار می‌گیرند.

حجاب اجباری دختران که گاه پیش از آغاز سن رسمی تکلیف یعنی نه سالگی به او تحمیل می‌شود، به‌دلیل احتمال بروز بیماری‌های پوستی و کاهش قدرت تحرک کودکان، به‌صورت مستقیم به سلامت جسم و روان آن‌ها آسیب می‌رساند.

حجاب کودکان به صورت غیرمستقیم هم می‌تواند به روان کودکان و از جمله به اعتماد به نفس آن‌ها آسیب برساند. حقوق کودکان در حکومت اسلامی ایران، با مسائلی مانند کار کودکان، مجازات و اعدام کودکان (پایین بودن سن مسئولیت کیفری در قوانین ایران)، محرومیت از تحصیل، ازدواج قانونی کودکان و استفاده از کودکان در نظامی‌گری درگیر است.

بر پایه مقررات اسلامی ایران، تنبیه بدنی کودک به‌دست پدر، به میزان مصلحت، مجاز است؛ در حالی که ماده ۱۹ پیمان‌نامه حقوق کودک، دولت‌ها را موظف می‌کند که از کودکان در برابر هر گونه بدرفتاری والدین یا سرپرستان حمایت کند. طبق ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی اگر پدر یا جد پدری، فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و تنها به پرداخت مقداری از دیه و تعزیر محکوم می‌شود؛ ولی در شرایط مشابه، مادر به قصاص (اعدام) محکوم خواهد شد.

طبق گفته شاهدان و اسناد به دست آمده، طی کشتار ۱۳۶۷، مسئولان اعدام در فرایند نقض حقوق کودکان، در مقابل کودکان زیر ۱۴ سال، اعضای خانواده‌شان را تیرباران و اعدام می‌کردند. کودکان و نوزادان را همراه با خانواده خود، در سلول‌های انفرادی حبس می‌کردند. همچنین شواهد و شاهدان نشان می‌دهند که ده‌ها کودک زیر ۱۸ سال که اکثر آن‌ها دختر بودند، اعدام شدند.

جرم قریب به اتفاق کودکان محکوم به اعدام در ایران، «قتل عمد» است. بیش‌تر آن‌ها در درگیری‌های برنامه‌ریزی نشده، معمولاً هم‌سن و سالان خود را به قتل رسانده‌اند.

در این میان چه کسی یا چه کسانی باید پاسخگو باشند؟ تنها شعار مرگ بر خامنه‌ای نمی‌تواند تسکینی بر درد و رنج مادران و پدرانی باشد که عزیزانشان را حکومت اسلامی کشته و یا آینده نسل‌هایی از جوانان ایران را تباہ کرده است. تنها زمانی این انسان‌ها آرام و قرار نسبی خواهند گرفت که حکومت اسلامی با قدرت و انقلاب مردم سرنگون گردد و دنیایی در مقابل‌شان قرار گیرد که کودکان و آینده آن‌ها را مقدم بر هر مسئله و منفعت و مصلحت سیاسی و اجتماعی می‌بیند.

وقتی کودکان دبستانی نیز شعار حکومت بچه‌کش نمی‌خواهیم نمی‌خواهیم سر می‌دهند، وقتی مادران و پدران بر پیکر کودکان‌شان فریاد تداوم مبارزه را سر می‌دهند، وقتی هزار هزار به بدرقه جان‌باختگان می‌روند، وقتی جوانان به‌ویژه دختران با جسارت فوق‌العاده‌ای در سراسر این سرزمین با دست خالی به جنگ انواع و اقسام نیروهای سرکوبگر و آدمکش تا دندان مسلح حکومتی می‌روند، وقتی در سراسر ایران اتحاد و همبستگی با شکوهی شکل می‌گیرد، وقتی رهبر چنین جیش و یا انقلابی به‌عهده جوانان و در پیشاپیش همه دختران و زنان است، وقتی چنین جنبشی نه به رهبری فردی، بلکه رهبری جمعی اتکا دارد، وقتی شعار داده می‌شود «هر یک نفر کشته شده هزار نفر پشتش» ، دیگر هیچ قدرتی نمی‌تواند جلو پیشروی این توفان خروشان را بگیرد، پس حکومت اسلامی ایران، هیچ راه دیگری جز نابودی و سرنگونی ندارد.

به قول ناظم حکمت شاعر نامی ترکیه:

**دنیا را به کودکان بدهیم**

**دنیا را به کودکان بدهیم،**

**حداقل برای یک روز**

**بدهیم مانند بالونی رنگارنگ**

**بازی کنند، بازی کنند،**

**آواز سر دهند در میان ستارگان**

**دنیا را به کودکان بدهیم،**

**بدهیم مانند یک سیب بزرگ**

**مانند یک تافتون گرم.**

**چیزی نیست یک روز،**

**دنیا را به کودکان بدهیم**

**حداقل برای یک روز**

**تا دنیا، دوستی را درک کند.**

کودکان،

دنیا را از دست ما خواهند گرفت

و درختان ابدی خواهند کاشت!

(ناظم حکمت، بیست و یکم مه ۱۹۶۲، مسکو. برگردان از ترکی به فارسی: بهرام رحمانی)

پنجشنبه سوم آذر-قوس- ۱۴۰۱ - بیست و چهارم نومبر ۲۰۲۲